

پشت‌بوم

۸پرسش از نفوکندگان کنسرت‌ها



حسین عبدالهاشم‌پور

● ۱- وقتی نوازنده دف به‌جرم زن‌بودن از روی صحنه حذف می‌شود، دانشجوی دختر رشته نوازندگی که با هزار امیدوارزو مچ کنکور را خوابانده و راهی دانشگاه شده، امروز چه‌حالی دارد؟! ● ۲- وقتی با نوازنده دف که دست‌کم در افواه،سازِ عرفانی تلقی می‌شود چنان برخوردی می‌کنند، آنکه چهارسال تحصیل نوازندگی گیتار و ویولن‌کلاسیک ...و.. پیش‌رو دارد، چه‌حالی دارد؟ ● ۳- در کشوری که سر هر چهارراه، قانون کیی‌رایت توسط دستفروش‌ها به‌سخره گرفته می‌شود و موزیسین بی‌نوا نمی‌تواند روی فروش آلبوم موسیقی حسابی باز کند، بدیهی است با این شرایط برگزاری کنسرت یکی از معدود راه‌های امرارمعاش در این حرفه است.

۴- در حالی که بیکاری از دیوار اقتصاد ایران بالا می‌رود و یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های دولت، اشتغالزایی است؛ همین‌جوری پیش برود، بالغ بر ۱۵هزار عضو رسمی خانه موسیقی که از راه این هنر، روزی می‌خورند در معرض خطر قرار می‌گیرند. نکته آنکه عدد مزبور تنها اعضای رسمی خانه موسیقی را شامل می‌شود و به یقین چندهزارنفر دیگر نیز چنین دل‌نگرانی‌ای را خواهند داشت.

۵- دلسوزی آشکار برخی مسئولان برای احساسات پاک برهم‌زنندگان کنسرت‌ها، هم مایه تعجب است و هم تاسف! اخلاک‌گری در نظم عمومی جامعه فقط گذر از چراغ قرمز و سبقت غیرمجاز نیست؛ تلاش عملی برای برهم‌زدن رخدادی که مجوز قانونی دارد، قانون‌شکنی محض است و مستوجب جریمه و عتاب قانونی.

۶- در این میان، این اظهارنظر که هر استان فرهنگ و آدابی دارد که باید موزیسین‌ها آن را در نظر بگیرند، تایید رسمی یک‌بام‌وچند‌هوابودن کشورمان است که زینده ایران نیست. مگر اینکه مانند کشور‌های ایتالی، هر استان دارای قانونی مصوب شده در مجلس باشد.

۷- مطمئن باشید تحدید کنسرت‌ها، ترویج موسیقی زیرزمینی است؛ آنها که در اتاق فکر، لغو کنسرت‌ها را برنامه‌ریزی می‌کنند حتی صورت‌مساله را پاک هم نمی‌کنند بلکه بروز اجتماعی آن را تغییر می‌دهند.

۸- شاید لازم است مسئولان این نکته را مدام یادآور شوند: آنها که کنسرت برگزار می‌کنند؛ از خواننده و نوازنده گرفته تا عوامل اجرایی، آدم‌هایی الکی خوش نیستند، در دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌های همین مملکت موسیقی یاد گرفته‌اند و فقط کارشان زندگی خرج دارد... حتی برای یک‌موزیسین... شاید هم به‌خصوص برای یک‌موزیسین... لطفا کسی این نکته را فراموش نکند.

پیشنهادروز

نمایشگاه «آدمی... آدمی» در برج آزادی

● شرق: گروهی از هنرمندانی که همگی دانش‌آموختگان سال‌های مختلف هنرستان هنرهای ریسا هستند، نمایشگاهی با عنوان «آدمی... آه آدمی» را برپا می‌کنند.

مجید زمانی مجسمه‌ساز و مدرس، محسن جودی عکاس و خطاط، بهاره اشتیاقی نقاش، عکاس و روزنامه‌نگار، ندا کبوترانی‌تفرشی نقاش و مجسمه‌ساز، فرامرز آقاقی طراح گرافیک و علیرضا محمودزاده فیلمساز، از جمله برپاکندگن این نمایشگاه هستند که به نمایش آثاری فرهنگی با دیدگاه مام وطن می‌پردازند که دیدگاه‌هایی طبقه‌بندی شده از تاریخ ایران است. این نمایشگاه ساعت ۱۶ اول بهمن در گالری اصلی مجموعه فرهنگی برج آزادی تهران برگزار می‌شود و به‌مدت یک هفته ادامه دارد.



فاطمه راکعی شاعر

از سال‌ها پیش تاکنون به همت شاعران شاخصی همچون زنده‌یادان سیدحسن حسینی و قیصر امین‌پور و تعداد دیگری از شاعران تشکلی غیردولتی برای شعر افتتاح شد. انجمن شاعران ایران به‌دلیل نبود نهادی مرتبط با شعر تشکیل شد. برگزاری برخی سیمینارها، کنگره‌ها، کارگاه‌های آموزشی و جلسات نقد و بررسی شعرها و مسایلی از این‌قبیل و انتشارات بین‌المللی و کتاب‌های دو زبان‌ه برای معرفی متقابل شعر ایران و جهان از جمله اقدامات این انجمن است.

متأسفم که ستون محکم این انجمن دار فانی را وداع گفت و در حقیقت طی این سال‌ها استاد مشفق کاشانی همچون ستون محکمی

رضا آشفته: مرگ، گاهی آنجا سراغت را می‌گیرد که هیچ‌گاه فکرش را هم نمی‌کنی؛ مراسم تولد سهیل محمودی باشد و مشفق کاشانی (عباس کی‌منش) هم به این نشست آمده است که هم خاطره باشد و هم شعر خوانی کند؛ نشستی که در آن بزرگان شعر و فرهنگ هستند که دورهم شعرهایی بخوانند و حرف‌هایی بزنند، شنیدنی و ماندگار. استاد مشفق کاشانی این رباعی را برای مراسم جشن تولد سهیل محمودی خواند: «برخیز ز جا نه وقت خواب است ای دوست/ بنشین که شب شعر و شراب است ای دوست/ در بزم سهیل، زهره با چنگ نواخت/ میلاد بلند آفتاب است ای دوست».

در این شعر، زندگی و مرگ چون دو وجه درهم‌تنیده دیده می‌شود و مشفق کاشانی به زندگی بر زمین دوستانش تاکید

می‌کند، زیرا زندگی چون بزمی زیبا پیش‌رویشان است. اما انگار؛ اگر تا لحظه‌های پیش، مرگ در کمین باشد، این‌بار آهسته‌آهسته با پیش می‌گذارد و در میان دوستدارانت نفس را از تو می‌گیرد که روزهای یکی دیگر از غرلسرایان ایرانی برای صفحه ادبیات فارسی بسته شود. سیدعلی گرم‌رودی در کمال پختگی، ایجاز و توانمندی، حق مطلب را درباره مشفق کاشانی ادا کرده و در آغاز مقدمه خلوت انس- از مجموعه سروده‌های مشفق کاشانی- چنین گفته است:«استاد پیشکسوت، مشفق کاشانی، چهره نامدار و ماندگار غزل معاصر و از چندنفر شاعرانی است که جزو غرلسرایان «نوکلاسیک» محسوب می‌شوند. یعنی در زمره شاعرانی چون استاد هوشنگ ابتهاج و زنده‌یادان شهربار، رهی معیری، بهزاد کرمانشاهی، عماد خراسانی، نوذر برنگ و امثال آنها...»

به گزارش ایسنا، افشین علاء، شاعر، که خود در مراسم شعرخوانی و روز تولد سهیل محمودی بوده، درباره این مرگ نوشته است: استاد سالم و سرحال با عصای دوست‌داشتنی‌اش از راه رسید. سهیل را در آغوش کشید و تولدش را تبریک گفت. بدیهی است

از چشمانم رنجیدم

بود که به او تکیه داشتیم و تحت حمایت معنوی او بودیم و اگر او نبود نمی‌دانم چطور می‌تواستیم داغ دو عزیز آقایان حسینی و امین‌پور را تحمل کنیم.

استاد مشفق کاشانی همیشه خوش‌محضر بود و در سال‌های اخیر از دردهای ناشی از بیماری هیچ‌گاه گله نکرد. او به‌طور حیرت‌انگیزی از هوش، ذکاوت و مسوولیت‌کاری برخوردار بود و حتی روزهایی که درد طاقتش را تمام می‌کرد باز هم اصرار داشت که در جلسات انجمن شرکت کند؛ چراکه به‌گفته خودش از بودن در جلسات انرژی می‌گرفت. مدتی قبل بود که بزرگداشتی برای استاد مشفق برگزار شد و در آنجا شاعران جوان انجمن پیشنهاد تشکیل یک کمپین را با این عنوان که چرا همه مشفق را دوست دارند، مطرح کردند و حقیقتا او به‌گونه‌ای رفتار می‌کرد که نه‌تنها شاعران هم دوره خودشان، بلکه شاعران چندین نسل که محضر او را دریافت‌ه بودند هم او را عاشقانه دوست داشتند و در طول سال‌ها همکاری من با او از چشمانم رنجیدم که از او رنجیدم. خاطرات زیبای استاد مشفق کاشانی از شاعران و

«مشفق کاشانی» درگذشت

تولد شاعر در ساعت صفر زندگی



تولد شاعر در ساعت صفر زندگی

که جایی در صدر، نزدیک خاتمی عزیز بر صندلی نشست. از همیشه خوشحالت‌تر بود. با آنکه دخترش گفته بود شب پیش استاد از حال رفته است، از بستر بلند شده بود و آمده بود. مگر می‌شود تولد سهیل باشد و استاد مشفق نیاپد؟ هیچ‌وقت توقع نداشتیم، حتی برای شرکت در جلسات هفتگی هیات‌مدیره. آخر استاد در آستانه ۹۰سالگی بود. دلمان می‌لرزید از تصور اینکه اتفاقی بیفتد. ولی مشفق جوانمردتر از این حرف‌ها بود. می‌آمد، با عشق هم می‌آمد. انجمن شاعران ایران خانه دوشش بود.

در این مراسم او در سخنانی به روایت‌خاطر‌اتش از زمان کار در رادیو و همکاری با کسانی چون زنده‌یاد قیصر امین‌پور، زنده‌یاد سیدحسن حسینی، زنده‌یاد سلمان هراتی، سهیل محمودی و ساعد باقری پرداخت اما پس از آنکه آخرین رباعی خود را قرائت کرد از حال رفت. حاضران در مراسم بلافاصله با اوزژانس تماس گرفتند. استاد مشفق کاشانی از خانه شاعران به بیمارستان ایرانمهر منتقل شد و در بیمارستان به دلیل نارسایی قلبی جان به جان‌آفرین تسلیم کرد.

چهره‌هایی چون سیدمحمد خاتمی، محمود

هنرمندان به چاپ رسیده که بسیار ارزشمند است. از دیگر صفات بارز او کمک به دیگران بود. شاعران بسیاری به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تحت حمایت معنوی و مادی او بودند و خانه او معمولا محل آمد و رفت شاعران شهرستانی بود که جایی برای اقامت در تهران نداشتند. اساتیدی مثل قیصر امین‌پور و سید حسن حسینی معمولا از منتقدان جدی شعر بودند و هر کسی را به‌عنوان شاعر خطاب نمی‌کردند اما استاد مشفق کاشانی را به‌عنوان یک شاعر کلاسیک قبول داشتند و استاد با سن بالایی که داشتند اما شعرهایش تالالو و تاثیرگذاری فراوانی داشت، به‌نوعی که هربار از شنیدن و خواندن شعرهایش فریاد شادی توام با شگفتی سرمی‌دادیم. این‌همه پویایی و عمر سرشار نصیب هرکسی نمی‌شود. ضایعه ازدست‌دادن استاد مشفق را به جامعه شعر ایران و خانواده ایشان تسلیت عرض می‌کنم. در فرهنگ اسلامی ما نیز گفته می‌شود که هیچ چیز با مرگ از بین نمی‌رود و قطعا حضور فیزیکی او را از دست دادیم، هرچند که جای خالی او بسیار دردناک است.

راه یافت و به اخذ درجه فوق‌لیسانس در رشته امور اداری و بودجه نایل آمد.

از او تاکنون شش‌مجموعه شعر با عناوین: صلا ی غم یا تضمین ۱۲بند محتشم کاشانی، خاطرات، سرود زندگی، شراب آفتاب، آذرخش و آیینه خیال منتشر شده است.

از مشفق کاشانی، علاوه‌بر سلسله‌مقالات ادبی، تحقیقی و عرفانی که در برنامه‌های صدای جمهوری‌اسلامی ایران مورد استفاده قرار گرفته، کتاب‌های متعددی نیز در زمینه‌های مذهبی، ادبی و سیاسی منتشر شده است که بعضا عبارتند از: نقش‌بندان غزل، مجموعه شعر انقلاب از شاعران معاصر؛ سه مجموعه شعر درباره دفاع مقدس از شاعران معاصر؛ مجموعه شعر شهید با همکاری استاد شاهرخی؛ محمد(ص) در آیین‌ه شعر فارسی، مدایح و مراثی درباره حضرت‌محمد(ص) با همکاری استاد شاهرخی؛ آیین‌ه عصمت، مجموعه مدایح و مراثی درباره حضرت‌زهر(ع) با همکاری استاد شاهرخی؛ قبله هشتم آیین‌ه رجاء، مدایح و مراثی درباره حضرت(رض(ع) با همکاری استاد شاهرخی؛ آیین‌ه‌جسمال، مجموعه دوم مدایح و مراثی درباره حضرت‌محمد(ص) با همکاری استاد شاهرخی؛ دیوان صباچی‌پیدگی با مقدمه و تصحیح شادروان پرتو بیضایی؛ خلوت انس، مجلد اول تذکره شعرای معاصر.

مشفق کاشانی از جمله شاعرانی است که در مصیبت سید و سالار شهیدان، امام‌حسین‌علیه‌السلام اشعار پرسوزوگداز دارد. شامگاه یکشنبه ۵دی۸۲ پایان زندگی مشفق کاشانی شد و پیکر او سه‌شنبه ۳دی ساعت ۹صبح از مقابل تالار وحدت به قطعه هنرمندان رهسپار و در بهشت ابدی خاکسپاری خواهد شد. همچنین امیرمسعود کی‌منش، فرزند مشفق کاشانی درباره مراسم ترحیم پدرش به ایستا گفت: این مراسم روز جمعه (سوم‌بهمن) از ساعت ۹:۳۰ تا ۱۱ در مسجدجامع شهرک‌غرب برگزار می‌شود.

جایزه بهترین کلیپ جشنواره «ققنوس» به پالت رسید

امید نعمتی: خواستیم از صلح بگوییم



شرق: اولین دوره از جایزه موسیقایی ققنوس شامگاه ۲۸دی در تالار وحدت برگزار شد. در این جشنواره که ویژه ویدئوکلیپ موسیقی است، نماهنگ «اینجا شهر من نیست» از گروه موسیقی «پالت» جایزه بهترین‌موزیک ویدئو را به خود اختصاص داد.

امید نعمتی، خواننده گروه موسیقی «پالت» برگزارزی جشنواره‌ای مختص ویدئوکلیپ را اتفاق خوبی برای اهالی موسیقی دانست و گفت: «همیشه این‌مشکل وجود داشته که موزیک‌ویدئوهایی که ساخته می‌شدند جایی برای پخش و دیده‌شدن پیدا نمی‌کردند. برگزاری جشنواره‌ای با این موضوع یکی از دلایل استقبال ما از این جشنواره بود. به‌رحال همکاری همه

زیر آسمان فیروزه‌ای

در عمارت «ارباب هرمز» صورت گرفت

افتتاح سومین موزه گرافیک دنیا



● شرق: ایران دارنده یکی از سه‌موزه گرافیک دنیا و تنها‌موزه گرافیک آسیا شد. آرزوی طراحان گرافیک ایران داشتن مکانی که بتوانند میراث گرافیک ایران را به مردم معرفی کنند، پس از سال‌ها از تشکیل کمیته موزه انجمن صنفی گرافیک ایران تحقق یافت و عصر یکشنبه، ۲۸دی عمارت تاریخی «رباب‌هرمز» به‌عنوان موزه گرافیک ایران افتتاح شد. طراحان گرافیک سال‌هاست به‌دنبال تأسیس این موزه بودند و از زمان مرتضی ممیز، پدر گرافیک ایران این موضوع به‌عنوان یکی‌از خواسته‌های آنها دنبال می‌شد. انجمن صنفی طراحان گرافیک ۱۷سال قبل آغاز به‌کار کرد و دو‌سال بعد از آن «کمیته موزه» با مدیریت مجید بلوچ فعالیت خود را برای گردآوری آثار طراحان این رشته شروع کرد و توانست تا به امروز ۱۰هزار اثر برای موزه جمع‌آوری کند. طی این سال‌ها اما اهالی گرافیک کوشش‌ناشدند مکان مناسبی را برای تأسیس موزه پیدا کنند و هربار وعده‌های داده‌شده، عملی نشد تا اینکه با اختصاص ساختمانی تاریخی این‌خواسته و فعلا ۶۰اثر از آثار موزه‌ای به نمایش گذاشته شده است. در میان اهالی هنرهای تجسمی، طراحان گرافیک اولین‌صنفی هستند که موفق به داشتن موزه‌ای برای نمایش تاریخ هنر خود شده‌اند. تأسیس این موزه نه‌تنها از جنبه معرفی گرافیک به مردم کشورمان اهمیت دارد بلکه این موزه تنها موزه گرافیک آسیا و سومین‌موزه مربوط‌به گرافیک در جهان است. تنها دو موزه مرتبط با گرافیک در دنیا فعالیت می‌کنند که آنها هم فقط به یکی از جنبه‌های گرافیک توجه کرده‌اند؛ یکی از آنها موزه طراحی یا دیزاین در هلند و دیگری موزه بوستر سوییس است. موزه گرافیک در شرق تهران در باغ‌اناری تهرانپارس (پارک‌پلیس) قرار دارد و عمارت آنکه به ارباب‌هرمز معروف است، ساختمانی برجای‌مانده از دوران قاجار با ۱۶اتاق در دوطبقه است. مراسم افتتاح عصر یکشنبه درحالی‌که صندلی‌ها در محوطه باز موزه چیده شده بودند، برگزار شد اما بارش برف، میهمانان شرکت‌کننده و برگزارکنندگان را غافلگیر کرد و به همین دلیل موسیقی زنده این برنامه لغو شد یا این‌همه این وضعیت مانع از آن نشد که مسوولانی که برای این مراسم آمده بودند، سخنرانی نکنند. علی رشیدی، رئیس هیات‌مدیره انجمن صنفی طراحان گرافیک در ابتدای این مراسم گفت: «۱۰هزار اثر برای موزه گرافیک توسط استاد مجید بلوچ و همکارانش در کمیته موزه جمع‌آوری شده که تعدادی از آنها امروز به نمایش درآمده و باقی آثار به‌مرور به نمایش درخواهند آمد.»او همچنین در مورد کارکرد گرافیک عنوان کرد: «گرافیک هنر گالری‌ها و موزه‌ها نیست، هنری است که هر روز با آن در ارتباط هستیم و با زندگی ما عجین شده است اما ما برای حفاظت از این گنجینه بی‌نظیر، به فضایی‌مانند این عمارت و موزه گرافیک نیاز داشتیم.»جمال کامیاب، رئیس سازمان زیباسازی شهرداری تهران نیز در ادامه به روند بازسازی بنا اشاره کرد: «از تمام کسانی که در مرمت و بازسازی این بنا زحمت کشیدند، تشکر می‌کنم. مرمت عمارت ارباب‌هرمز بیش دو‌سال طول کشید. خوشحالم که سال‌ها زحمات عزیزان در انجمن طراحان گرافیک به بار نشست و همزمان، گشایش عمارت ارباب‌هرمز به مناسبت افتتاح موزه، گرافیک اتفاق افتاد.»علی مرادخانی، معاون امور هنری وزیر ارشاد هم از دیگر سخنرانان مراسم بود درباره خاطره‌انگیزبودن برخی از آثار موزه گفت: «ضمن بازدید از آثار به‌نمایش‌درآمده از موزه، پوستر اولین جشنواره فیلم فجر را دیدم که من را به سال ۱۳۶۰ برد؛ دوره‌ای که تنها با هشت یا ۹فیلم، جشنواره فیلم فجر را برگزار می‌کردیم. خوشبختانه پیگیری‌های دوستان هیات‌مدیره انجمن‌بالاخره نتیجه داد و گرافیک ایران صاحب موزه شد.»پس از آن سیدمحمد بهشتی، معمار، مدیرعامل اسبق بنیاد سینمایی فارابی و رئیس اسبق سازمان میراث فرهنگی در سخنانی کوتاه گشایش موزه گرافیک را تبریک گفت و این اتفاق را رویداد مبارکی در عرصه هنر کشور دانست. در ادامه درحالی‌که بارش برف شدت یافته بود، احمد مسجدجامعی نیز به جمع سخنرانان پیوست و گفت: «سال‌ها زحمت کشیده شد تا گرافیک ایران به‌عنوان یکی از شاخه‌های هنرهای تجسمی، در کشور ما صاحب موزه شود. این اتفاق بسیار باعث خوشحالی است. اما هنوز می‌توان ادامه داد. هنوز هنرهایی مثل تاتار، نقاشی و... خانه‌ای مثل موزه گرافیک ندارند و لازم است این اتفاق برای این رشته‌های هنری نیز بیفتد. قدیمی ترین اثر موزه طرح روی جلد یک کتاب از انتشارات بانک ملی در سال ۱۳۲۴ است. خالق این اثر، محمود جوادی‌پور از نقاشان و طراحان گرافیک پیشکسوت ایران است که در سال ۹۱ و در نهمین دهه زندگی‌اش درگذشت، او یکی از پیشگامان نقاشی نوین ایران بود که قدیمی‌ترین اثر موزه گرافیک نیز به او تعلق گرفته است.